



روشنای انگیزه

نقش انگیزه در یادگیری

انگیزه‌ی پیشرفت یکی از عوامل مهم در یادگیری محسوب می‌شود. کاهش این نوع انگیزه و به تبع آن شکست تحصیلی از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام آموزشی به حساب می‌آید و هر ساله ده‌ها میلیارد ریال از بودجه‌ی کشور را هدر می‌دهد. این مسئله همچنین بر شرایط روحی و سلامت روانی دانش‌آموزان نیز تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و منجر به کاهش اعتماد به نفس، ایجاد افسردگی و همچنین بروز انواع جرم و بزهکاری و فقر در زندگی آن‌ها می‌شود.

علائم نبود انگیزه‌ی کافی در دانش‌آموزان

با بررسی رفتار برخی از دانش‌آموزانم که از بهره‌ی هوشی و وضعیت زندگی مناسبی برخوردار بودند، به نشانه‌هایی برخورد کردم که حاکی از بی‌انگیزگی آن‌ها بود. برخی از این نشانه‌ها عبارت بودند از:

- حضور نیافتن مستمر در کلاس درس (غیبت‌های مکرر و غیرموجه)؛
- انجام ندادن به‌موقع تکلیف‌های خواسته شده؛
- ارائه‌ی تکلیف‌ها به صورت ناقص؛
- مشارکت نداشتن در فعالیت‌های کلاسی؛

بیان مسئله

یکی از مباحث بسیار مهم و پیچیده در علم روان‌شناسی که به آن دینامیک رفتار نیز گفته می‌شود، انگیزه است. اصطلاح دینامیک از علم فیزیک گرفته شده و منظور از آن انرژی یا نیرویی است که باعث ایجاد حرکت در اجسام می‌شود. دلیل به کار بردن این اصطلاح برای انگیزه آن است که انگیزه نیز باعث حرکت موجود زنده می‌شود. انگیزه موجود زنده را از داخل به فعالیت درمی‌آورد و در واقع، نوعی محرک و تغییردهنده‌ی داخلی است.

فریبا سروری عموقین
آموزگار ناحیه‌ی دو ساری

تحقیق حاضر با هدف بیان نقش و تأثیر ایجاد انگیزه در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی دوم، پایه‌ی پنجم، انجام گرفته است. روش انجام این تحقیق روایت پژوهی است. با توجه به اینکه روایت پژوهی به منظور تحقیق و مطالعه‌ی عمیق درباره‌ی فرد یا افراد یک حوزه صورت می‌گیرد، این پژوهش روی ده نفر از دانش‌آموزان یک کلاس، در پایه‌ی پنجم ابتدایی، در مدرسه‌ی مختلط روستایی متمرکز شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ایجاد انگیزه نقش بسزایی در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دارد. در واقع، انگیزه موتور حرکت هر گونه فعالیت در امر آموزش است و آموزگار را در رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی خود یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: ایجاد انگیزه، روایت پژوهی، یادگیری، پیشرفت تحصیلی





تدریس برای آنان لذت‌بخش‌تر باشد و هم تعمیق در یادگیری اتفاق بیفتد.

● در کلاس، گاهی موسیقی بی‌کلام و آرام‌بخش پخش می‌کردم. سپس از دانش‌آموزانم می‌خواستم احساسات خود را پس از شنیدن آن موسیقی بیان کنند و بر اساس آن، یک نقاشی هم بکشند.

● پویانمایی‌هایی را در کلاس پخش می‌کردم و از بچه‌ها می‌خواستم آن را تحلیل و تفسیر کنند و بر اساس درک و دریافت خود، در مورد آنچه دیده‌اند، نظر بدهند، سؤال طرح کنند یا در نقش یک کارگردان یا بازیگر تغییراتی را که به نظرشان نیاز است در فیلم به وجود بیاورد، بیان کنند.

● شروع تدریس خود را با طرح سؤالات جالب و بر اساس فیلم‌های انگیزشی آغاز می‌کردم و همین‌امر حس کنجکاوی آن‌ها را بر می‌انگیخت.

● به وضعیت روحی و جسمانی دانش‌آموزانم و شرایط زندگی آنان توجه و از آن کسب اطلاع می‌کردم تا تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها را با توجه به وضعیت و شرایط دانش‌آموزانم در نظر بگیرم. در این امر، مدیر و معاون محترم مدرسه کمک شایان توجهی به من کردند.

● تکلیف‌ها را مهارت‌محور و با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان ارائه می‌کردم.

● اشکالات درسی آن‌ها را به‌موقع رفع می‌کردم. ● هر چند وقت یک‌بار تجربه‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های خود را در کلاس برای دانش‌آموزانم بیان می‌کردم.

● دانش‌آموزانم را از میزان و سطح پیشرفتشان آگاه می‌کردم.

● کوچک‌ترین پیشرفت دانش‌آموزانم، به‌خصوص تغییرات مثبت آنان را بیان می‌کردم.

● به فعالیت‌ها و پیشرفت‌های دانش‌آموزان کم‌انگیزه، خیلی سریع واکنش مثبت‌نشان می‌دادم و آن‌ها را در جمع مورد تشویق قرار می‌دادم.

● کلاس را گروه‌بندی کردم که بسیار کمک‌کننده بود. در این گروه‌بندی، دانش‌آموزان ضعیف در کنار دانش‌آموزان قوی و صاحب‌انگیزه قرار گرفته بودند. ● جلسات بحث و تبادل نظر در بین دانش‌آموزانم تشکیل می‌دادم تا فرصت تفکر و اظهار نظر را در آنان تقویت کنم.

مجموعه‌ی فعالیت‌ها و اقدامات ارائه‌شده برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزانم روحیه‌ی همکاری و نشاط را در آن‌ها تقویت کرد و انگیزه و تلاش مستمر و هدفمند در امر یادگیری را در آنان افزایش داد.

بررسی تکلیف‌های دیگر دانش‌آموزان کلاس، پیگیر شدن علت غیبت دانش‌آموزانی که در کلاس حضور ندارند و کمک به دانش‌آموزانی که تکلیف خود را ناقص انجام داده‌اند، از دیگر وظایفی بود که به این گروه محول کردم. آن‌ها ملزم شدند، بر حسب توانایی‌هایشان، در بررسی تکلیف‌ها یاریگر معلم باشند.

به‌مرور از تعدادی از آن‌ها خواستم که برخی از درس‌های آسان کتاب را در کلاس ارائه دهند. تدریس آنان، در کنار تدریس آموزگار، شور و شغف فراوانی در آنان به وجود آورده بود. شور و اشتیاق فراوان در کنار تشویق‌های کلامی و غیرکلامی منجر به استقبال سایر دانش‌آموزان نیز شد و هر روز بر تعداد داوطلبان یاریگر معلم افزوده می‌شد.

اقدامات دیگری که برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزانم انجام دادم و بسیار کمک‌کننده هم بود، شامل این موارد است:

● در کلاس، به‌موقع و با صدایی ملایم و در عین حال تأثیرگذار، کوچک‌ترین فعالیت و مشارکت بچه‌ها را تشویق می‌کردم و هیچ‌کدام از آن‌ها را نادیده نمی‌گرفتم.

● از دانش‌آموزانم می‌خواستم همسال سنجی انجام دهند و مطالبی را که یاد گرفته‌اند، به یکدیگر نیز آموزش دهند.

● انتظارات و اهدافی که از آنان داشتم، به‌صورت شفاف و واضح بیان می‌کردم.

● پس از انجام هر ارزشیابی سریع به آن‌ها بازخورد مناسب می‌دادم.

● تفاوت‌های فردی دانش‌آموزانم را به‌شدت در نظر می‌گرفتم.

● علاقه‌مندی‌های آن‌ها را شناسایی کرده بودم و همواره مدنظر داشتم.

● به‌صورت مستقیم و سریع به دانش‌آموزانم ابراز علاقه و عشق می‌کردم.

● به دانش‌آموزانی که از دقت و توجه کمتری برخوردار بودند، مسئولیت‌هایی را محول می‌کردم که انگیزه و دقت و توجه آنان را تقویت می‌کرد.

● از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کردم و از فیلم‌ها و پویانمایی‌های جذاب، داستان‌پردازی، بازی با عروسک و... که مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر بود، بهره می‌بردم.

● بین درس‌ها و مسائل زندگی و روزمرگی‌های دانش‌آموزانم پیوند و ارتباط برقرار می‌کردم تا هم

- مشارکت‌نداشتن در فعالیت‌های گروهی و مسابقات کلاسی؛
- نداشتن اطلاعات و آگاهی کافی از محتوای درس‌های ارائه‌شده؛
- مشارکت‌نداشتن در پرسش‌های کلاسی؛

این گروه گاهی اوقات در پایان ساعت کلاس اعلام آمادگی و حضور می‌کردند که البته فرصت را از دست داده بودند و مفید فایده نبود.

در طول شانزده سال فعالیت آموزشی و تدریس، با چنین نمونه‌هایی مواجه شده بودم و تا حدودی در این زمینه تجربه و اطلاعاتی داشتم؛ بنابراین، تصمیم گرفتم از امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار دارم، استفاده کنم و بستری را برای دانش‌آموزان فراهم آورم که با انگیزه‌ی بیشتری به یادگیری بپردازند.

اقدامات انجام‌شده برای ایجاد انگیزه‌ی بیشتر

ابتدا روی دانش‌آموزان بی‌انگیزه یا کم‌انگیزه‌ی کلاس‌م متمرکز شدم و توجه‌م را به آن‌ها معطوف ساختم. در وهله‌ی اول، مسئولیت‌هایی را به آنان واگذار کردم که آن‌ها را ملزم می‌ساخت، به‌موقع و به‌طور فعال، در کلاس درس حاضر باشند، حتی اگر کلاس درس به‌صورت مجازی برگزار شود؛ مسئولیت‌هایی مانند انجام حضور و غیاب دانش‌آموزان، قبل از شروع رسمی کلاس. همین مسئله منجر به قانونمند شدن و در نهایت، رعایت نظم و انضباط در کلاس از سوی آن گروه از دانش‌آموزان شد.